



علی رتقیان

سه گانه شهری فراموش شده

گفت و گو با «طوفان جعفری»: مدیر پروژه پیرایش، مرمت و ساماندهی محور فردوسی تا دروازه دولت



اخیرا در محورهای تاریخی شهر تهران، اقدامات پیرایش و مرمت نماهای شهری در دستور کار سازمان زیباسازی قرار گرفته که اثرات قابل توجهی بر جای گذاشته است. بر کسی پوشیده نیست که سیمای شهرها سالیان سال است که رها شده و به واسطه سالها بی توجهی و عدم انجام اقدام موثر، شرایط بسیار بدی بر این عنصر مهم شهرها تحمیل شده است. اکنون که اقدامات جدی در دستور کار شهرداری تهران قرار گرفته، باید آن را به فال نیک گرفت و ضمن نقد منصفانه آن، شرایط را برای توسعه این اقدام ارزشمند در سایر مناطق و شهرهای کشور فراهم کرد.

به این منظور مصاحبه‌ای با دکتر طوفان جعفری، معمار، شهرساز و مدیر پروژه مرمت و ساماندهی جداره محور انقلاب حداقل میدان فردوسی تا دروازه دولت انجام داده‌ایم. در طول گفت‌وگو علاوه بر مسائل مربوط به مرمت، به نکات مهمی در خصوص مدیریت این پروژه اشاره می‌شود که می‌تواند برای دست‌اندرکاران پروژه‌های مشابه مفید و راهگشا باشد.

در ابتدا به‌طور مختصر اهداف این پروژه را تشریح کنید.

پروژه‌هایی که اخیرا سازمان زیباسازی شهر تهران در خصوص سیمای شهری در محورها و گرده‌های تاریخی و شاخص شهر تهران آغاز کرده، به‌طور کلی سه بخش دارند که من محمولا با سه کلمه که ناظر بر این سه بخش است از آن یاد می‌کنم. نخست، پیرایش که ناظر بر جمع‌آوری و حذف مجموعه زیادی از عناصر الحاقی به نما شامل کانال کولر، لوله بخاری، کابل‌های برق و در مواردی حتی اضافه بنای عناصری نظیر بالکن به کل بناست که متأسفانه در مواردی سند گرفته و جزء بناتشه‌اند سالیان زیادی است که علی‌رغم اینکه به‌طور قانونی شهرداری‌ها می‌توانند راسا نسبت به حذف این عناصر بسیار بدسمازها نماها اقدام کنند، متأسفانه به‌صورت جدی موضوع را در دستور کار قرار نداده‌اند. بخش بعدی مرمت نامست. مرمت همان‌طور که مستحضری یک کار تخصصی است که اصول، مبانی و روش‌های خودش را دارد. بعد از حذف زوائد و پیرایش، باید نماها را بر اساس مطالعات و شرایط خاص حاکم بر هر پلاک مرمت کرد و بخش بسیار مهم و شاید سخت‌ترین و پیچیده‌ترین آن ساماندهی تابلوهاست.

در خصوص پیرایش، شما چگونه عمل می‌کنید؛ مثلاً ملزومات سرمایه‌شنی یا گرمایشی واحدهای تجاری را با استفاده از

#در شهر من | برو من رهایت می‌کنم...!

ملیکا حسینی نژاد، تهران / حذف پیاده‌رو، کاملاً از اسمش معلوم است یعنی چه. به‌طور عامیانه یعنی مسیر مخصوص پیاده - بدون ماشین و موتورسیکلت - که در آن بتوانی راه بروی! اما مگر می‌شود راه بروی! آن هم متند و بی‌خطر. حال اگر معلوم هم بودی که دیگر هیچ. برای من خیلی جالب اما دردناک است، زمانی که از دوستان و آشنایان در مورد موزیک‌های خطی پشت سر هم زرد رنگ که در کف سازی پیاده‌روها وجود دارد و با بقیه‌ی موزیک‌های کناری خود متفاوت است سؤال می‌کنم، قریب به اتفاقی می‌گویند که خط نوعی کف سازی است دیگر! و بدتر زمانی می‌شود که کسانی اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند که اصلاً توقع ندارید. دوست عزیز، همکاران محترم، مسئولین دلسوز، شهروندان همیشه در صحنه این خطوط زرد رنگ برای روشن‌دلان یا همان ناپنیان است که شما موتورسیکلت خود را روی آن پارک می‌کنید، یا کشتن پیاده‌رو و تغییر کف سازی جلوی درب منزلتان این خطوط متند راهنما را از بین می‌برید و شما مسئول محترم که ظاهراً اصلاً از جایی خبر ندارید بنابه هر دلیل با جدول کنی درختان، هدایت این خط به‌سوی جوی‌ها و... این خطوط را قطع می‌کنید. این‌ها درست است بکار شما نمی‌آید و حتی تا به حال نظرتان را هم جلب نکرده، ولی راهنمای کسی است که همان قدر که شما لذت می‌برید در پیاده‌رو قدم بزنید او هم دوست دارد قدم بزند و حق عبور و مرور در این شهر را دارد که شما با این کارها این حق را از او سلب می‌کنید. حتی اگر مسئولین نیز به دلیل حجم بالای کارشان گاهی نمی‌رسند مشکلات را رصد کنند و با بقول خودتان از دستشان در رفت، شما می‌توانید پیگیری کنید و برای رفع و رجوع آن اطلاع دهید یا حداقل ترین کمکی که می‌توانید انجام دهید این است که موتورتان روی این خطوط پارک نکرده یا به دلیل قشنگی جلوی درب منزلتان آن را از صفحه‌ی روزگار محو نکنید. این خطوط، خطوط راهنما هستند؛ آن‌ها را کمی جدی بگیرید. هر چیزی هم در این شهر می‌بینید برای قشنگی نیست، رسانه یعنی اطلاع‌رسانی، شما هم در رساندن این پیام کوشا باشید.

عمل می‌کنند. فکر کنم توضیح جزئیات فنی موضوع از حوصله بحث خارج است، اما با حل مسئله به‌طور طبیعی هم رعایت و مشارکت مردم افزایش می‌یابد و هم احتمال تکرار این تخلف بعد از اتمام پروژه و خروج ما از محور تا حد قابل توجهی کاهش می‌یابد. باقی موارد نظیر لوله‌ها، سیم‌ها، کابل برق و... نیز به همین منوال حل و فصل می‌شود.

تخلفات زیربنایی را چگونه حل می‌کنید؟

این موضوع پیچیده‌تر است. راه‌حل فنی ندارد و باید جمع شود. ما در همین پروژه، از این گونه موارد حتی در همین ساختمان خودمان زیاد داریم. اینجا با مالکین مختلف تعارف نداریم. هر چند رفع تخلفات اصولاً در حیطه وظایف سازمان زیباسازی نیست و شهرداری نواحی و مناطق، باید با حکم اقدام کنند که پروسه بسیار پیچیده و زمان‌بری است. اینجا هم با تعامل، اما بدون تعارف اقدام می‌کنیم. تاکنون هم در اکثر موارد موفق بوده‌ایم. موارد جزئی باقی‌مانده که متأسفانه برخی از آن‌ها را نمی‌دانیم با چه سازوکاری مجوز گرفته‌اند که با زور و قانون هم نمی‌توان اقدام کرد.

حسب برویم سراغ بخش مرمت که در واقع برای ما مهم‌ترین قسمت هم هست، لطفاً در خصوص نحوه مرمت نماها توضیح دهید.

اتفاقاً بیشترین حساسیت در خصوص رویکردهای

انخاذ شده، نسبت به مرمت نما وجود دارد. خود من شاهد ندهای زیادی نسبت به پروژه‌های قبلی سازمان و همین پروژه بوده‌ام. در خصوص این پروژه توضیح می‌دهم که چه رویکردی را اتخاذ کردیم. محدوده پروژه ما، عملاً بخشی از لبه شمالی حصار ناصری است و عناصر بسیار مهم و شاخصی نظیر میدان فردوسی و دروازه دولت ابتدا و انتهای آن را تعریف می‌کنند. در ابتدا یک بررسی میدانی انجام شد. پلاک‌ها دقیقاً برداشت و از

توسعه و مرمت نما

روى تصاویر، وضع موجود ترسیم شد. در محدوده پروژه ما همه نوع نما وجود دارد. از نماهای موجود در این پروژه با ارزش و به اصطلاح آرتیستیک‌ساز تا نماهای تیشه‌ای و سیمانی بدقواره که متأسفانه در مقطعی، بسیار رواج پیدا کرد. در این بین نماهای آجری فوق‌العاده زیبا، نماهای مدرن با پروفایل عمودی که به دهه پنجاهی معروف‌اند و در خیابان طالقانی بسیار دیده می‌شوند تا نماهای سیمانی و فوق‌العاده اصیل و ارطانی که چفت‌های سیمانی بسیار زیبا و بی-نظیر روی آن‌ها اجرا شده و نمی‌دانم چرا ما معمارها، این گونه بنای سیمانی و اصیل را که بسیار ارزان‌تر از سنگ هم هست در کارهای امروزمان مورد توجه قرار نمی‌دهیم.

الآن به‌غلط در ذهن مردم و بخش عمده‌ای از مدیران آجر مترادف با تنها گزیده نمای اصیل ایرانی شده است و سیمان یعنی نمای بدقواره و بی‌هویت که کاملاً غلط است، شما به کارهای وارطان نگاه کنید. به چفت‌هایی که به چفت وارطانی معروف است و در نماها کار می‌شود نگاه کنید. ابتدای لاله‌زار ما یکی از همین بناها را داریم. نمای دانشگاه تهران که ثبت میراث هم هست مگر سیمانی نیست؟

بعد از مباحث فراوان رویکرد اصالت بخشی و بازگرداندن بنا به هویت اصلی را به‌عنوان مبنا قرار دادیم و علی‌رغم اینکه بعضاً حتی از جانب مدیران شهرداری مورد انتقاد قرار گرفتیم ولی از یکسان‌سازی و تیپ‌سازی پرهیز کردیم. بر همین اساس ساختمان دفتر پروژه را آخرین رنگ کردیم. وقتی نما را رنگ کردیم بعضی از ساکنین اعتراض داشتند. مدیران سازمان بنده را مواخذه کردند که چی شد؟ این رنگ چی شد؟ این رنگ از کجا آمد؟ ما هم توضیحات را دادیم؛ اما جالب است به شما بگویم چندین بار دیدم که توریست‌های خارجی از بنای ما عکس می‌گیرند. از یکی از آن‌ها

با این تنوع، رویکرد کلی شما در مرمت چطور تعریف می‌شود؟

ما بعد از مباحث فراوان رویکرد اصالت بخشی و بازگرداندن بنا به هویت اصلی را به‌عنوان مبنا قرار دادیم و علی‌رغم اینکه بعضاً حتی از جانب مدیران شهرداری مورد انتقاد قرار گرفتیم ولی از یکسان‌سازی و تیپ‌سازی پرهیز کردیم. بر همین اساس ساختمان دفتر پروژه را آخرین رنگ کردیم. وقتی نما را رنگ کردیم بعضی از ساکنین اعتراض داشتند. مدیران سازمان بنده را مواخذه کردند که چی شد؟ این رنگ از کجا آمد؟ ما هم توضیحات را دادیم؛ اما جالب است به شما بگویم چندین بار دیدم که توریست‌های خارجی از بنای ما عکس می‌گیرند. از یکی از آن‌ها

سوال کردم، می‌گفت: «برایم خیلی جالب است.» در محورهای قدیمی به‌طور عمد رنگ‌های خاکستری دیده بودیم. این رنگ بانشاط در نمای شهری تهران برایمان تازگی داشت. به‌رحال متأسفانه سلیقه عمومی در این پروژه یکسان‌سازی را می‌پسندد که باید با آن مقابله کنیم. بر اساس همین رویکرد نمای آجری، آجری و سیمانی، سیمانی خواهد بود. در موارد استثنایی که نما مشکلی داشته باشد این رویکرد را تغییر می‌دهیم؛ مثلاً یک نمای آجری داشتیم که البته آجر نما نبود و بسیار کیفیت نازلی داشت. آن را با توجه به اینکه در واحد همسایگی همه سیمانی بودند، سیمانی کردیم که زیبا هم شد و یک هارمونی قشنگ در چند پلاک مجاور به وجود آورد. جالب است که با این کار دوباره اعتراضات شروع شد که آقایان نمای آجری را سیمانی کرده‌اند. خوشبختانه تصاویر قبلی را دقیق و با کیفیت خوب برداشت کرده بودیم. الان به‌غلط در ذهن مردم و بخش عمده‌ای از مدیران آجر مترادف با تنها گزینه نمای اصیل ایرانی شده است و سیمان یعنی نمای بدقواره و بی‌هویت که کاملاً غلط است. شما به کارهای وارطان نگاه کنید. به چفت‌هایی که به چفت وارطانی معروف است و در نماها کار می‌شود نگاه کنید. ابتدای لاله‌زار ما یکی از همین بناها را داریم. نمای دانشگاه تهران که ثبت میراث هم هست مگر سیمانی نیست؟ سیمان را اگر معمارانه کار کنیم به نظرم هم به‌لحاظ فنی و هم از نظر هویتی بسیار موثرتر از سنگ است. این سنگ‌ها با روشی که ما نصب می‌کنیم در زلزله می‌تواند فاجعه به بار نیاید. شما کجای دنیا می‌بینید سنگ به این گرانی‌ی این‌طور در نماها کار کنند؟

بپردازیم به قسمت آخر و ساماندهی تابلوها.

خوب به نماهای شهری نگاه کنید. شاید بیشتر از عناصر زائد و الحاقی تابلوهای بی‌ضابطه و بی‌حساب و کتاب که هر کسی بنا بر سلیقه خودش روی نما زده بیشترین تاثیر را در انتشار بصری داشته باشد. رویکرد ما ساماندهی تابلوهاست. چون تابلو را که نمی‌توانیم حذف کنیم. اجرای تابلو خودش سه بخش دارد که یکی، تراز تابلوهاست. ما اصل هم‌ترازی را در تابلوها رعایت می‌کنیم. مرحله بعد طرح زمینه تابلوست که آن را بر اساس مطالعات، ویژگی‌های هویتی معماری پس‌زمینه، هویت تاریخی و حتی فعالیت صنفی طراحی می‌کنیم. منتها در تابلوهای شهری، بر اساس واحدهای همسایگی با آن بازی می‌کنیم و نکته آخر محتویات تابلوهاست. اینجا ما بازهم رویکرد خودمان را دنبال کردیم. به این معنا که برخلاف پروژه‌های مشابه سازمان از یکسان‌سازی و تحمیل استفاده از یک فونت ثابت

در بلوک شهری پرهیز کردیم و در یک چارچوب کاملاً تعریف‌شده انتخاب فونت و رنگ را بر عهده مردم گذاشتیم که هویت‌های فردی از بین نرود؛ یعنی بازهم از یکسان‌سازی پرهیز کردیم. اکنون که پروژه از نیمه گذشته، وقتی در محور قدم می‌زنیم، می‌بینم کار درستی کردیم. البته باید بگویم متولی تابلو در سازمان زیباسازی شهر تهران معاونت تبلیغات و درآمد است. ما طی جلسات مفصل کارشناسی با همکارانمان این رویکرد را به تأیید آن معاونت رساندیم. این تابلوها شیرین‌تر شده. شاید استفاده از فونت یکسان مداخله را بیشتر نشان دهد و به قول خودمان بیشتر به چشم بیاید اما هویت‌های فردی را از بین می‌برد و این اصلاً چیز خوبی نیست.

امیدواریم از این دست پروژه‌ها بیشتر در تهران ببینیم و به‌نوعی این کار در کلیه شهرهای تاریخی کشور توسعه یابد. در پایان اگر نکته خاصی هست، بفرمایید.

خود من قبل از اینکه این همکاری را با سازمان زیباسازی شروع کنم مدیر پروژه دستگاه نظارت یک برج بیست طبقه در شمال شهر بودم. با قاطعیت می‌گویم که مسائل، پیچیدگی‌ها و دردسرهای این پروژه اصلاً قابل‌مقایسه با یک پروژه ساختمانی نیست. انتقادات هم از جانب همه مطرح می‌شود. در مواردی خستگی به تن آدم می‌ماند. واقعا در چند مورد واقعا می‌خواستیم کار را رها کنیم و به سر کار خودم در همان ساختمان برگردم که شامل مسائل فنی است و به‌راحتی قابل‌حل؛ اما الان که دارم نتایج را می‌بینم واقعا خوشحالم. امیدوارم این کار با تجربیاتی که در سازمان زیباسازی به‌دست‌آمده آفرینان و مسائل مدیریتی این پروژه نکات و ظرایف زیادی وجود دارد که امیدوارم در فرصتی دیگر به آن‌ها پرداخته شود.

